

دانش و پژوهش در روان‌شناسی

دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان (اصفهان)

شماره سی‌ام - زمستان ۱۳۸۵

صص ۸۶ - ۷۱

تأثیر یک برنامه پیشگیری از اعتیاد بر عزت نفس، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد

علیرضا رجایی^۱ - محمدحسین بیاضی^۲

چکیده

این پژوهش تأثیر یک برنامه پیشگیری از اعتیاد را بر روی عزت نفس، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد مورد بررسی قرار داد. این برنامه آموزشی شامل راههای مقابله با تنش و افزایش ابراز وجود، همچنین شیوه‌های مقاومت در برابر فشار همسالان، و ارائه اطلاعات صحیح در مورد مواد و سوء مصرف مواد می‌گردید. به همین منظور ۱۴۰ نفر از دانش‌آموزان پسر دوره دبیرستان شهرستان تربت جام به‌عنوان نمونه انتخاب و به دو گروه آزمایش و گواه تقسیم شدند. ابتدا از هر دو گروه پیش‌آزمون به عمل آمد و سپس متغیر مستقل (دوره آموزشی) اجرا گردید و از آنها پس‌آزمون گرفته شد. داده‌های به‌دست آمده به دو شیوه مورد تجربه و تحلیل قرار گرفت. اول با استفاده از آزمون t همبسته میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون در هر دو گروه به‌طور مجزا مقایسه گردید. نتایج نشان داد که دوره آموزشی باعث

۱- استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام

۲- عضو هیأت علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تربت جام

افزایش عزت نفس و آگاهی و کاهش گرایش در گروه آزمایش گردید. اما در مورد گروه گواه چنین اثری دیده نشد. در روش دوم با استفاده از آزمون t مستقل میانگین نمرات اختلاف پیش آزمون و پس آزمون دو گروه با هم مقایسه شدند. نتایج نشان داد که این دوره آموزشی فقط باعث کاهش میزان گرایش گروه آزمایش به سوء مصرف مواد نسبت به گروه گواه شد، اما تفاوت معناداری در مورد عزت نفس، نگرش و آگاهی دو گروه به دست نیامد. کلید واژه‌ها: پیشگیری از اعتیاد، عزت نفس، نگرش، گرایش، آگاهی، نوجوانان.

مقدمه

اعتیاد یکی از مشکلات مهم جوامع امروزی است. کشور ما به دلیل وضعیت خاص جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی، موقعیت مستعدی برای روی آوردن نوجوانان و جوانان به اعتیاد دارد. بر همین اساس یکی از تلاشهای مسئولان بعد از پیروزی انقلاب اسلامی مبارزه جدی با مواد مخدر بوده است. هر چند با این مشکل ابتدا به صورت قانونی برخورد شده است، اما به دلیل پیچیدگی پدیده اعتیاد و همچنین ناکارآمد بودن روشهای قانونی در سالهای اخیر توجه به سوی درمان و پیشگیری از اعتیاد از طریق شناخت عوامل به وجود آورنده و استفاده از روشهای علمی معطوف شده است. در جدیدترین تقسیم بندی اختلالات روانی (DSM-IV) از اختلالات مرتبط با مواد نام برده شده است. منظور از اختلالات مرتبط با مواد مشکلاتی است که استفاده و سوءاستفاده از داروهایی مانند کوکائین، هروئین، الکل و دیگر مواد در افراد به وجود می آورد که منجر به تغییر در نحوه تفکر، احساس و رفتار آنان می شود. این مشکلات هزینه های فوق العاده انسانی، اجتماعی و اقتصادی دارند (هاو کینز، کاتالانو، میلر، ۱۹۹۲).

بر اساس مطالعه مؤسسه تحقیق اجتماعی^۱ (ISR) در آمریکا استفاده از مواد در دهه ۷۰ و اوایل ۸۰ افزایش زیادی داشته است، اما از سال ۱۹۹۳ کاهش در استفاده از مواد دیده می شود (نقل از سیگل و سنا، ۱۹۹۷). همچنین بر اساس گزارش مرکز

1- Institute for Social Researcher (ISR)

خدمات سلامتی و انسانی آمریکا در سال ۱۹۹۵، در بین سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۹۴ استفاده از مواد از ۱۳/۷ درصد در کل جمعیت به ۵/۸ درصد رسیده است (نقل از دوراند و بارلو، ۱۹۹۷). چنین آماری حکایت از روشهای پیشگیرانه مؤثر در این دوره دارد.

به طور کلی در حال حاضر سه راهبرد برای محدود کردن سوء مصرف مواد در اغلب کشورهای جهان وجود دارد: راهبردهای قانونی، تربیتی - آموزشی و درمانی.

راهبردهای قانونی شامل راههای قانونی جلوگیری از پخش یا استفاده از مواد است. راهبردهای درمانی نیز بعد از معتاد شدن افراد برای بازگرداندن به حالت طبیعی و ترک اعتیاد مورد استفاده قرار می گیرد. اما راهبرد آموزشی - تربیتی یک روش پیشگیرانه است. راهبردهای تربیتی در حال حاضر از جایگاه بسیار بالایی برخوردار است (سیگل و سنا، ۱۹۹۷). از مهمترین فعالیتهای در این زمینه آگاهی دادن به افراد مختلف جامعه در مورد علل روی آوردن به مواد، تأثیر داروها، خطرات بدنی و روانی - اجتماعی استفاده از مواد می شود. در حال حاضر بهترین مکان برای انجام چنین برنامه های پیشگیرانه مراکز آموزشی مانند مدارس است (تشان و همکاران، ۱۹۹۴).

دو طرح مشهور در این زمینه در آمریکا اجرا شد؛ یکی «طرح هشدار» که در مدارس متوسطه شهرهای کالیفرنیا و اورگون انجام گرفت و همچنین طرح بسیار مشهور «آموزش مقاومت در برابر سوء استفاده از داروها» بود، که در آن مهارتهای مقاومت در برابر فشار همسالان، برای استفاده از داروها آموزش داده می شد (الیکسون و بیل، ۱۹۹۰). این برنامه به پنج مقوله عمده می پرداخت: فراهم کردن اطلاعات صحیح در مورد تنباکو، الکل و داروها، آموزش روشهایی به دانش آموزان برای مقاومت در برابر فشار همسالان، آموزش روی آوردن به روشهای مناسب برای مقابله با تنش های زندگی به جای استفاده از دارو و بالا بردن عزت نفس در دانش آموزان.

امروزه در کشورهای پیشرفته برنامه های آموزشی پیشگیری حتی در مورد کودکان سنین پایین نیز صورت می گیرد. به عنوان مثال هال و زیگلر (۱۹۹۷) ۴۰ برنامه عملی پیشگیری برای کودکان را بررسی کردند. این برنامه ها برای پیشگیری از سوء مصرف مواد کودکان ۳ تا ۵ ساله و بیشتر برای استفاده در مراکز مراقبت کودکان، مراکز پیش دبستانی، کلیساها و مرکز فرهنگی و اجتماعی برنامه ریزی شده بودند. موضوعات برنامه ها گسترده و شامل داستانها، آوازه ها، فعالیتهای مربوط به اجرای

نقشهای هنری، بحث بین معلم و کودک، پوسترها، بررسی نمونه‌هایی از مواد، نمایش عروسکی، اهدای جوایز مانند مداد، خودکار و تشویق‌نامه‌ها و غیره بود. اهداف برنامه‌ها شامل افزایش عزت نفس، افزایش مهارتهای حل مسأله و مقاومت در برابر اغوا شدن برای مصرف مواد، ارائه اطلاعات مربوط به شناسایی مواد و تأثیرات رفتاری و فیزیولوژیک سوءمصرف مواد، برنامه‌های تربیت سلامتی شامل تغذیه، ورزش و خواب، آموزش ارزش‌ها و ابعاد اخلاقی رفتارهای مربوط به سوءمصرف مواد می‌شد. آنها توصیه کردند، برای تأثیر مثبت چنین برنامه‌هایی باید این برنامه‌ها هماهنگی بیشتری با چگونگی رشد و اجتماعی شدن کودکان داشته باشد.

در پژوهشی منشی و همکاران (۱۳۸۲) تأثیر آموزش مهارتهای زندگی را در پیشگیری از اعتیاد جوانان شهر اصفهان مورد بررسی قرار دادند. تحلیل داده‌ها نشان داد که آموزش مهارتهای زندگی بر میزان آگاهی و پیشگیری از گرایش جوانان به اعتیاد مؤثر است.

همچنین در بررسی تأثیر برنامه‌های آموزش پیشگیری از اعتیاد بر روی عزت‌نفس، نگرش و آگاهی نوجوانان در مورد سوءمصرف مواد مخدر، یارمحمدیان و قادری دهکردی (۱۳۸۰) تحقیقی بر روی گروهی از نوجوانان دوره راهنمایی انجام دادند. عنوانهای اصلی برنامه آموزش پیشگیری در این پژوهش شامل موارد زیر بود: تاریخچه مصرف مواد مخدر در ایران، انواع مواد مخدر، سبب‌شناسی اعتیاد، نشانه‌های اولیه ناشی از مصرف مواد مخدر، عوارض ناشی از مصرف طولانی‌مدت مواد مخدر، ایجاد نگرش منفی نسبت به استعمال مواد مخدر و تغییر نگرش دانش‌آموزان نسبت به معتادان، نحوه دوستیابی سالم، نحوه مقابله با فشارهای گروه همسالان، نحوه برخورد با والدین، نحوه برخورد با آلام، دردها و ناراحتی‌ها.

برنامه‌های پیشگیرانه نشان می‌دهند، چنانچه به نوجوانان آموزش داده شود که سوء مصرف مواد قابل قبول عامه مردم نیست و از نظر هنجارهای اجتماعی در بین افراد جامعه قابل پذیرش نیست، احتمال شروع و ادامه مصرف مواد را در بین نوجوانان کاهش می‌دهد (تومبز، ۱۹۹۹). علاوه بر این در سالهای اخیر مطالعات مختلفی در زمینه اثربخشی آموزشهای مهارتهای زندگی صورت گرفته است. در مطالعه‌ای ایوانز و همکاران (۱۹۸۱) براساس دیدگاه بندورا در دانشگاه هیستون اقداماتی را برای

مصون‌سازی اجتماعی دانش‌آموزان علیه نفوذهای اجتماعی سیگار کشیدن آغاز کردند. در مصون‌سازی اجتماعی فرض بر این است که اگر دانش‌آموز بیاموزد که در برابر فشار اجتماعی چگونه مقاومت کند، در برابر فشار برای مصرف مواد نیز مقاومت بیشتری خواهد داشت. در این مطالعه صدها دانش‌آموز در گروه‌های همتای آزمایش و گواه برای میزان کشیدن سیگار در آغاز طرح و در خلال دوره سه ساله پیگیری مورد مقایسه قرار گرفتند. در پایان این مطالعه گروه‌های آزمایش در مقایسه با گروه‌های گواه فراوانی سیگار کشیدن کمتر و اقدام به سیگار کشیدن پایین‌تری داشتند.

پژوهش حاضر بر روی مطالعه راهبردهای تربیتی - آموزشی و برنامه‌های مربوط به مدارس استوار است و هدف آن بررسی میزان اثربخشی یک برنامه آموزش پیشگیری از اعتیاد در نوجوانان بر روی عزت نفس، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان نسبت به سوء مصرف مواد بود.

فرضیه‌های پژوهش

- ۱- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده‌اند و نوجوانانی که چنین برنامه‌ای را دریافت نکرده‌اند، از نظر میزان عزت نفس تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۲- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده‌اند و نوجوانانی که چنین برنامه‌ای را دریافت نکرده‌اند، از نظر نوع نگرش به سوء مصرف مواد تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۳- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده‌اند و نوجوانانی که چنین برنامه‌ای را دریافت نکرده‌اند، از نظر میزان گرایش به سوء مصرف مواد تفاوت معناداری وجود دارد.
- ۴- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده‌اند و نوجوانانی که چنین برنامه‌ای را دریافت نکرده‌اند از نظر میزان آگاهی از مواد تفاوت معناداری وجود دارد.

روش

پژوهش حاضر از نوع طرح‌های شبه‌آزمایشی و شامل طرح دو گروهی با پیش‌آزمون و پس‌آزمون است. نمونه آماری شامل ۱۴۰ دانش‌آموز پسر دوره متوسطه دبیرستانهای شهرستان تربت جام (چهار کلاس) است که دو کلاس به‌عنوان گروه آزمایش و دو

کلاس به‌عنوان گروه گواه انتخاب شدند. این گروه نمونه از کلیه دانش‌آموزان پسر مدارس دولتی با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند، عضویت در گروه آزمایش و گواه به‌صورت تصادفی تعیین گردید.

ابزار پژوهش

در پژوهش حاضر ابزارهای اصلی گردآوری اطلاعات شامل پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت و پرسشنامه محقق‌ساخته برای اندازه‌گیری، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان نسبت به سوء مصرف مواد بود. پرسشنامه محقق‌ساخته شامل ۲۷ سؤال است که براساس مقیاس ۵ درجه‌ای لیکرت ساخته شده است. میزان پایایی پرسشنامه بر روی ۳۰ نفر از نوجوانان با روش بازآزمایی ۰/۶۸ به‌دست آمد. میزان روایی این پرسشنامه را نیز چند نفر از همکاران بررسی و تأیید کردند. پرسشنامه عزت نفس کوپر اسمیت شامل ۳۰ سؤال، پنج گزینه‌ای است. در مطالعه ابراهیمی قوام (۱۳۶۹) میزان پایایی این آزمون از طریق محاسبه ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۲ گزارش شده است. همچنین استفاده این پرسشنامه در تحقیقات مختلف نشان‌دهنده روایی آن است.

در این پژوهش ضمن محاسبه شاخصهای آمار توصیفی و نمودارها، در خصوص تصمیم‌گیری در مورد رد یا قبول فرضیه‌ها از دو روش آماری استفاده شده است. در یک روش میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه به‌طور جداگانه با استفاده از آزمون t همبسته مورد تحلیل قرارگرفت، و در روش دیگر میانگین نمرات اختلاف دو گروه به وسیله آزمون t مستقل با یکدیگر مقایسه شده‌اند.

متغیر مستقل در این پژوهش آموزش برنامه پیشگیری از اعتیاد و متغیرهای وابسته عزت نفس، آگاهی، نگرش و گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد است.

پس از مشخص شدن دو گروه آزمایش و گواه، ابتدا از هر دو گروه پیش‌آزمون به عمل آمد. سپس برنامه آموزش پیشگیری از اعتیاد، یعنی یک دوره آموزشی ۳۰ ساعته در یک ماه اجرا شد. موارد آموزشی شامل فراهم کردن اطلاعات صحیح در مورد تنباکو، الکل و داروها، روشهای مقاومت در برابر فشار همسالان، روشهای مناسب برای مقابله با تنش، روشهای افزایش عزت نفس و آموزش احترام به قوانین می‌گردید. پس از اجرای این دوره از هر دو گروه پس‌آزمون گرفته شد.

یافته‌ها

برای روشن شدن نتایج تحقیق فرضیه‌ها به صورت جداگانه مطرح و یافته‌ها مورد تجزیه و تحلیل قرار خواهند گرفت.

فرضیه ۱- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده‌اند و نوجوانانی که چنین برنامه‌ای را دریافت نکرده‌اند از نظر میزان عزت نفس تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۱- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین‌های عزت نفس گروه آزمایش و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون (t همبسته، $d.f = 64$)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
آزمایش	پیش‌آزمون	۳۴/۵۸	۷/۰۳	-۳/۵۸	۰/۰۰۱
	پس‌آزمون	۳۶/۸۴	۶/۷۲		
گواه	پیش‌آزمون	۳۲/۹۲	۷/۳۵	۱/۹۲	۰/۵۹
	پس‌آزمون	۳۴/۲۵	۷/۸۰		

جدول ۲- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین نمرات اختلاف پیش‌آزمون و پس‌آزمون عزت نفس در گروه آزمایش و گواه (t مستقل، $d.f = 133$)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
آزمایش	۶۵	۲/۲۶۱	۵/۰۸۷	۰/۹۹۲	۰/۳۲۳
گواه	۷۰	۱/۳۲۸	۵/۷۸۰		

همان‌طوری که جدول ۱ نشان می‌دهد، هنگامی که تفاوت بین میانگین‌های عزت نفس در هر یک از گروهها به صورت جداگانه و با استفاده از t همبسته مورد آزمون قرار گرفت، تفاوت بین میانگین عزت نفس در گروه آزمایش در پیش‌آزمون و پس‌آزمون با مقدار $t = 3/58$ در سطح $P < 0/001$ از نظر آماری معنادار است، یعنی آموزش پیشگیری از اعتیاد مؤثر بوده و باعث افزایش عزت نفس گروه آزمایش شده

است. در حالی که این تفاوت معنادار در عزت نفس گروه گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون با مقدار $t=1/98$ مشاهده نشده است.

اما در جدول ۲ هنگامی که میانگین نمرات اختلاف بین دو گروه محاسبه و از طریق t مستقل مورد بررسی قرار گرفت تفاوت معناداری بین میانگین‌های اختلاف به وجود آمده با مقدار $t=0/99$ از نظر آماری مشاهده نشد. فرضیه ۲- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده‌اند و نوجوانی که چنین برنامه‌ای را دریافت نکرده‌اند از نظر نگرش به سوء مصرف مواد تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۳- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین‌های نگرش نوجوانان به سوء مصرف مواد در دو گروه آزمایش و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون (t همبسته، $d.f=68$)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
آزمایش	پیش‌آزمون	۲۰/۵۰۷	۶/۴۷	۵/۷۵۸	۰/۰۰۰
	پس‌آزمون	۱۶/۳۱۸	۶/۷۰		
گواه	پیش‌آزمون	۲۰/۳۲۳	۴/۸۳۷	۳/۰۷۵	۰/۰۰۳
	پس‌آزمون	۱۷/۸۱۱	۷/۷۱۹		

جدول ۴- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین نمرات اختلاف پیش‌آزمون و پس‌آزمون به سوء مصرف مواد در گروه آزمایش و گواه (t مستقل، $d.f=136$)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
گروه آزمایش	۶۹	-۴/۱۸۸	۶/۰۴۲	-۱/۵۲	۰/۱۳۱
گروه گواه	۶۹	-۲/۵۲۱	۶/۸۱۱		

همان‌طوری که جدول ۳ نشان می‌دهد، هنگامی که تفاوت بین میانگین‌های نگرش به سوء مصرف مواد در هر یک از گروهها به‌طور جداگانه و با استفاده از t

همبسته مورد آزمون قرار گرفت نگرش مثبت نوجوانان به سوء مصرف مواد در هر دو گروه کاهش پیدا کرده است. زیرا میانگین هر دو گروه در پس آزمون کاهش پیدا کرده است. این کاهش نگرش مثبت در گروه آزمایش بیشتر است و با مقدار $t=5/758$ در سطح $P \leq 0/000$ معنادار است، با این حال در گروه گواه نیز این کاهش میانگین با مقدار $t=3/075$ در سطح $P < 0/003$ از نظر آماری معنادار است.

اما در جدول ۴ هنگامی که میانگین نمرات اختلاف بین دو گروه محاسبه و از طریق t مستقل مورد بررسی قرار گرفت با مقدار $t=-1/52$ این تفاوت از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین نتیجه گرفته می شود که با اطمینان نمی توان اعلام کرد، برنامه آموزشی توانسته است، نگرش منفی در نوجوانان نسبت به سوء مصرف مواد ایجاد کند. فرضیه ۳- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده اند و نوجوانانی که چنین برنامه ای را دریافت نکرده اند از نظر میزان گرایش به سوء مصرف مواد تفاوت معنادار وجود دارد.

جدول ۵- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین های گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد در دو گروه آزمایش و گواه در پیش آزمون و پس آزمون (t همبسته، $d.f=68$)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
آزمایش	پیش آزمون	۶۹	۱۳/۶۳۷	۶/۰۲۱	۰/۰۰۰
	پس آزمون	۶۹	۱۱/۱۸۸	۵/۱۴۲	
گواه	پیش آزمون	۶۹	۱۲/۶۸۱	۴/۸۲۴	۰/۶۶۲
	پس آزمون	۶۹	۱۳/۰۰۰	۵/۹۵۸	

جدول ۶- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین نمرات اختلاف پیش آزمون و پس آزمون گرایش به سوء مصرف مواد در دو گروه آزمایش و گواه (t مستقل، $d.f=136$)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
گروه آزمایش	۶۹	-۲/۴۴۹	۵/۵۰۵	-۲/۸۱۷	۰/۰۰۶
گروه گواه	۶۹	۰/۳۱۸	۶/۰۲۸		

با نگاهی به جدول ۵ و با مقایسه میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه به‌طور جداگانه با استفاده از آزمون t همبسته مشخص می‌شود که در گروه آزمایش گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد در پس‌آزمون کاهش پیدا کرده است و تفاوت بین میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون با مقدار $t = ۳/۶۹۵$ در سطح $P \leq ۰/۰۰۰$ از نظر آماری معنادار است، اما در گروه گواه گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد در پس‌آزمون افزایش پیدا کرده است، این تفاوت با مقدار $t = ۰/۴۳۹$ از نظر آماری معنادار نیست.

اما در جدول ۶ هنگامی که میانگین نمرات اختلاف بین دو گروه محاسبه و از طریق t مستقل مورد بررسی قرار گرفت تفاوت بین میانگین‌های اختلاف به وجود آمده با مقدار $t = -۲/۸۱۷$ در سطح $P < ۰/۰۰۶$ از نظر آماری معنادار است. بنابراین می‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که آموزش پیشگیری از اعتیاد باعث کاهش گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد شده است.

فرضیه ۴- بین نوجوانانی که برنامه پیشگیری از اعتیاد را دریافت کرده‌اند و نوجوانانی که چنین برنامه‌ای را دریافت نکرده‌اند از نظر میزان آگاهی از مواد تفاوت معناداری وجود دارد.

جدول ۷- نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین میزان آگاهی نوجوانان از مواد در دو

گروه آزمایش و گواه در پیش‌آزمون و پس‌آزمون (t همبسته، $d.f = ۶۸$)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
آزمایش	پیش‌آزمون	۵/۴۳۳	۱/۶۴۱	-۲/۳۴۵	۰/۰۲۲
	پس‌آزمون	۶/۱۳۰	۲/۰۵۰		
گواه	پیش‌آزمون	۵/۴۹۲	۱/۶۲۳	-۰/۸۸۹	۰/۳۷۷
	پس‌آزمون	۵/۶۸۱	۱/۵۸۵		

جدول ۸ - نتایج تحلیل آماری مقایسه میانگین نمرات اختلاف پیش‌آزمون و پس‌آزمون آگاهی از مواد در دو گروه آزمایش و گواه (t مستقل، d.f = ۱۳۶)

گروهها	تعداد	میانگین	انحراف معیار	t	معنادار بودن
گروه آزمایش	۶۹	۰/۶۶۶	۲/۳۶۱	۱/۳۴۹	۰/۱۸۰
گروه گواه	۶۹	۰/۱۸۸	۱/۷۵۹		

همان‌طوری که در جدول ۷ مشاهده می‌شود با مقایسه میانگین‌های گروه آزمایش و گواه به‌طور جداگانه با استفاده از آزمون t همبسته در پیش‌آزمون و پس‌آزمون می‌توان دریافت که میزان آگاهی نوجوانان از مواد در پس‌آزمون گروه آزمایش افزایش پیدا کرده است و با مقدار $t = -۲/۳۴۵$ در سطح $P < ۰/۰۲۲$ از نظر آماری معنادار است. اما در گروه گواه این میزان با مقدار $t = -۰/۸۸۹$ از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین با این مقایسه می‌توان گفت که برنامه آموزشی مؤثر بوده است و منجر به افزایش آگاهی نوجوانان از مواد شده است.

اما با توجه به جدول ۸ و مقایسه میانگین اختلاف بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه از طریق آزمون t مستقل، با مقدار $t = ۱/۳۴۹$ از نظر آماری معنادار نیست. بنابراین در این صورت نمی‌توان اطمینان داشت که دوره آموزشی در افزایش میزان آگاهی نوجوانان از مواد مؤثر بوده است.

بحث و نتیجه‌گیری

یکی از روش‌های مهم در پیشگیری از اعتیاد، راهبردهای آموزشی- تربیتی است. در این پژوهش نیز اثر یک برنامه آموزشی پیشگیری از اعتیاد بر روی عزت نفس، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد مورد بررسی قرار گرفت. در مورد فرضیه اول با توجه به داده‌های جدول ۱ مشخص می‌گردد که میزان عزت‌نفس در پس‌آزمون هر دو گروه آزمایش و گواه افزایش یافته است، اما این افزایش در گروه آزمایش از نظر آماری در سطح $P < ۰/۰۰۱$ معنادار است، اما در گروه گواه این میزان افزایش از نظر آماری معنادار نیست. اساس توجه به مهارت‌های ابراز وجود و

عزت‌نفس در مسأله اعتیاد نوجوانان این است که آنان بتوانند با افزایش عزت‌نفس خویش در برابر فشار گروهی مقاومت نمایند و به‌سادگی تسلیم همسالان خود برای سوء مصرف مواد نگردند. در پژوهشی یارمحمدیان و قادری دهکردی (۱۳۸۰) بر روی یک نمونه ۱۰۰ نفری از دانش‌آموزان دوره راهنمایی نشان دادند که آموزش برنامه پیشگیری از اعتیاد بر روی عزت‌نفس نوجوانان مؤثر است. در یک مطالعه دیگر که بوتوین، بیکر، فیلازول و همکاران (۱۹۹۰) با دانش‌آموزان سال هفتم انجام دادند، دانش‌آموزان در یک دوره ۲۰ جلسه‌ای در طول یک سال شرکت کردند که هدف افزایش مهارت‌های اجتماعی و عزت‌نفس و اثر آن بر روی سوء مصرف مواد بود. نتایج این پژوهش نشان داد دانش‌آموزانی که در این دوره شرکت کرده بودند میزان مصرف سیگار و الکل و مارجوانا در آنان کاهش یافت. با این حال در مورد نتایج به‌دست آمده در این پژوهش در خصوص افزایش عزت‌نفس نوجوانان بعد از دوره آموزشی ابهاماتی نیز وجود دارد. زیرا با توجه به جدول شماره ۲ هنگامی که میانگین نمرات اختلاف در دو گروه مقایسه شد از نظر آماری اختلاف معناداری بین میزان عزت‌نفس دو گروه وجود نداشت.

اما در مورد فرضیه دوم داده‌های جدول ۳ نشان می‌دهد که نوجوانان در نمرات پس‌آزمون نگرش منفی‌تری نسبت به سوء مصرف مواد پیدا کرده‌اند. میانگین نگرش مثبت گروه آزمایش در پیش‌آزمون ۲۰/۵ در پس‌آزمون ۱۶/۳۱، و در پیش‌آزمون گروه گواه ۲۰/۳۳ و در پس‌آزمون ۱۷/۸۱ به‌دست آمده است. نتایج نشان می‌دهد که نگرش هر دو گروه نسبت به مواد منفی‌تر شده است. اما این میزان کاهش در گروه آزمایش $P < 0/05$ و در گروه گواه $2/52$ - بوده است. یعنی تقریباً در گروه آزمایش این کاهش دو برابر گروه گواه است. این کاهش در هر دو گروه از نظر آماری در سطح $P < 0/05$ معنادار است. اما t به‌دست آمده در گروه آزمایش $5/75$ و در گروه گواه $3/07$ بوده است.

این داده‌ها نشان می‌دهد که دوره آموزشی بر روی نگرش نوجوانان نسبت به مواد مؤثر بوده است. اما از نظر آماری این تأثیر مبهم است، چون در گروه گواه نیز چنین اثری دیده شده است. هر چند که این میزان نصف گروه آزمایش است. در ضمن هنگامی که میانگین اختلاف نمرات در دو گروه از طریق t مستقل مورد بررسی

قرار گرفت تفاوت معناداری بین دو گروه وجود نداشت. با این حال سایر تحقیقات از جمله پژوهش یارمحمدیان و قادری دهکردی (۱۳۸۰) نشان داد که دوره آموزشی پیشگیری از اعتیاد، نگرش نوجوانان را نسبت به عوارض مصرف مواد مخدر تغییر می‌دهد. همچنین در پروژه هشدار که الیکسون و بیل (۱۹۹۰) بر روی دانش‌آموزان پایه هفتم از طریق دوره‌های آموزشی مبتنی بر مقاومت و کنترل اجتماعی و تغییر نگرش نوجوانان انجام دادند، نشان داد که در مصرف سیگار کشیدن، الکل و ماری‌جوانا در ابتدا کاهش دیده شد، اما این اثر کاهش در الکل بعد از مدتی از میان رفت.

در مورد فرضیه سوم داده‌های جدول ۵ نشان می‌دهد که گرایش نوجوانان به مصرف مواد در پس‌آزمون در گروه آزمایش کاهش یافته است، اما برعکس در گروه گواه افزایش پیدا کرده است. هر چند که در گروه آزمایش این کاهش یعنی تفاوت بین میانگین‌های پیش‌آزمون و پس‌آزمون از نظر آماری در سطح $P \leq 0/000$ معنادار و در گروه گواه این افزایش از نظر آماری معنادار نیست. همچنین داده‌های جدول ۶ نشان می‌دهد که میانگین نمرات اختلاف بین گروه با مقدار $t = -2/817$ در سطح $P < 0/006$ از نظر آماری معنادار است. بنابراین با اطمینان می‌توان نتیجه گرفت آموزش پیشگیری از اعتیاد باعث کاهش گرایش نوجوانان به سوء مصرف مواد شده است. این یافته با «طرح هوشیار باشید» که گراهام، جانسون، هانسن و دیگران (۱۹۹۸) انجام دادند و نشان داد که پس از دوره آموزشی کاهش در گرایش به خصوص در دختران نسبت به مصرف سیگار الکل به وجود آمده است، همخوانی دارد (نقل از بوتوین، گریفین گردآوری شده در لوینسون، رویز، میلن، لنگرود، ۲۰۰۵).

در مورد فرضیه چهارم داده‌های جدول ۷ نشان می‌دهد که میانگین میزان آگاهی نوجوانان از سوء مصرف مواد در پس‌آزمون هم در گروه آزمایش و هم در گروه گواه افزایش پیدا کرده است، هر چند که این افزایش در گروه آزمایش از نظر آماری در سطح $P < 0/022$ معنادار، اما در گروه گواه این میزان افزایش در پس‌آزمون معنادار نیست. بنابراین چنانچه این داده‌ها مدنظر قرار گیرد می‌توان نتیجه گرفت که دوره آموزشی موجب افزایش آگاهی نوجوانان از سوء مصرف مواد شده است. در این

حالت این یافته با پژوهش یارمحمدیان و قادری دهکردی (۱۳۸۰) بر روی نوجوانان که نشان داد دوره آموزشی می‌تواند موجب افزایش آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد گردد، همخوانی دارد. اما چنانچه میانگین اختلاف بین نمرات پیش‌آزمون و پس‌آزمون دو گروه از طریق t مستقل مورد بررسی قرار گیرد نمی‌توان اطمینان داشت که این دوره آموزش توانسته، آگاهی نوجوانان را از سوء مصرف مواد افزایش دهد. البته بعضی از پژوهش‌های دیگر نشان داده است، دوره‌هایی که باعث افزایش آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد می‌گردد، لزوماً نمی‌تواند در کاهش استفاده از مواد چندان مؤثر باشد. برای مثال در مطالعاتی کایندر، پپ و وال فیش^۱ (۱۹۸۰)؛ و شپس، بارتلو، موسکوویتز^۲، و دیگران (۱۹۸۲)، برنامه‌های پیشگیری از اعتیاد را ارزیابی نمودند. آنها عنوان کردند هر چند برنامه‌های آگاه‌سازی باعث افزایش آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد می‌گردد، اما در خصوص کاهش مصرف مواد تأثیر اندکی دارد (نقل از بوتوین، گریفین، گردآوری شده در لونیسون، رویز، میلمن، لنگرود، ۲۰۰۵).

در نهایت می‌توان چنین نتیجه گرفت که هر چند در بعضی از موارد با توجه به داده‌های به‌دست آمده نمی‌توان با اطمینان نتیجه گرفت که برنامه‌های آموزشی می‌تواند بر روی میزان عزت نفس، نگرش، گرایش و آگاهی نوجوانان در سوء مصرف مواد مؤثر باشد، اما سودمندی این آموزشها را نیز نمی‌توان انکار کرد. به‌طوری که در بسیاری از پژوهشها تأثیر مثبت این برنامه‌ها مورد تأیید قرار گرفته است. بنابراین پیشنهاد می‌شود برنامه‌های آموزشی پیشگیری از اعتیاد در آموزش و پرورش به‌خصوص در دوره‌های راهنمایی و یا دبیرستان که سنین خطرپذیر برای روی آوردن نوجوانان به سوء مصرف مواد است مدنظر قرار گیرد.

منابع

ابراهیمی قوام، صغری. (۱۳۶۹)، «بررسی میزان اضطراب و حرمت نفس در دانش آموزان سوءاستفاده جنسی نواحی سه‌گانه اهواز». پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران، دانشکده روان‌شناسی دانشگاه علامه طباطبایی.

1-Kinder & Pape & Walfish

2 - Schaps & Bartolo & Moskowitz

منشی، غلامرضا. راحله سموعی. محبوبه والیانی. (۱۳۸۲)، «نقش آموزش مهارتهای زندگی بر پیشگیری از اعتیاد جوانان شهر مشهد»، *بزه‌دیدگان (مجموعه مقالات اولین همایش تبیین علمی بزه‌دیدگان و راهکارهای پیشگیرانه)*، دانشگاه آزاد اسلامی واحد خوراسگان.

یارمحمدیان، محمدحسین. صغری قادری دهکردی. (۱۳۸۰)، «تأثیر یک برنامه آموزشی پیشگیری از اعتیاد بر روی عزت نفس، نگرش و آگاهی نوجوانان در مورد سوء مصرف مواد مخدر»، *دانش و پژوهش*، شماره ۱۰.

- BOTVIN, G., GRIFFIN, K. (2005). *school-Based Programs*. In J.H. Lowinson- P. Ruiz., R.B. Mill man and J. G. langrod (Eds). *substance abuse: a comprehensive textbook* (pp 1211–1228). phliadelphia: lippincott williams and wilkins.
- BOTVIN, G., BAKER, E., FILAZZOLA, A., et al. (1990). *A cognitive-behavioral approach to substance abuse prevention: a one year follow up*. *Addict Behav*, 15,47 – 68 .
- DURAND, V.M., BARLOW, D.H. (1997). *Abnormal psychology: An introduction*. pacific Grove, CA: Broks cole.
- ELICKSON, P.L., BELL, R.M. (1990). *Prospects for preventing drug abuse among young adolescents*. *science*, 247,1299 – 1305 .
- EVANS, R.L., ROZELLE, R.M., MITTLEMARK, M.B, et al. (1981) . *Detering the onset of smoking in children: Knowledge of immediate physiological effects and coping with peer pressure, media pressure, and parent modeling*. *J, APPL, soc, Psycho*, 126 – 135 .
- HALL, N.W., ZIGLER, E. (1997) . *Drug-abuse Prevention efforts for young children: a review and critique of existing programs*. *American Jorrnal of orthopsychiatry*, 67(1) .
- HAWKINS, J.D, CATALANO, R.F., MILLER, J.V. (1992) . *Risk and protective factors for alcohol and other drug problems in adolescence and early adulthood. Implications for substance abuse prevention*. *Psychol Bull*, 112,64 – 105 .

- SIEGL, j., SENNA J.J. (1997). *Jvenile delinquency: theory, Practice and law* (6 nd ed). st.paul: west.
- TSCHANN, J.M., ADLER, N.E., IRWIN, C.E., MILLSTEIN, S.G., TURNER, R.A., KEGELES, S.M. (1994). *initiation of substance use in early adolescence: the roles of pubertal timing and emotional distress*. Vol, 13, No, 4, 326 – 333 .
- THOMBS, D.L. (1999). *Introduction to addictive behaviors*. (2 nd ed). NewYork: Guilford.

تاریخ وصول: ۸۵/۹/۲۲

تاریخ پذیرش: ۸۵/۱۱/۲۴